

سبک رفتار



آسیب‌شناسی مصرف‌گرایی از نگاه دکتر محمدحسین توانایی، مدرس مهارت‌های زندگی

ریشه‌های تجمل‌گرایی در زمین مسئولان رشد می‌کند

مونا دهقان

خیلی وقت‌ها در مکالمات جمع یک خانواده با فامیل، دوستان قدیمی و... بسیار می‌شنویم که از سادگی و حال و هوای قدیم می‌گویند که «آن روز‌ها حال و هوا و صفایی دیگر داشت» یا «هر چه زرَق و برق زندگی‌ها ز یاد شده آرامش کم شده» و اینکه «دیگر آن روز‌ها

آرزوهای دور و دراز انسان

انسان در سبک زندگی خود انتخاب‌گر است و اگر به خودشناسی و معرفت نرسیده باشد و خودارزشیابی را در خود تقویت نکرده باشد آرزوپروری و آرزوهای دور و دراز در او شکل گرفته و شیطان می‌تواند این آرزوها را که با اهداف زندگی بسیار متفاوت است و معمولاً واقعی نیستند از راه‌های نادرست تقویت کرده و انسان با عمل خود این سبک از زندگی را انتخاب می‌کند.

تربیت و تجمل‌گرایی

در خانواده‌ای که پدر و مادر به مصرف‌گرایی رو آورده و روش زندگی آنها استفاده از وسایل برند و مارک بوده و به دنبال تجملات هستند فرزندان نیز به همان سمت کشیده می‌شوند و این گونه تربیت خانوادگی در نوجوان و جوانی که مراحل رشد را می‌گذراند تأثیر منفی می‌گذارد.

تبلیغات گسترده برای مصرف

تبلیغاتی که در سطح جهان و در فضای مجازی به چشم می‌خورد شامل خوردنی‌ها، لباس‌های شیک و لاکچری، آراستن و لوازم آرایشی، سفرهای تفریحی و سرگرمی‌هاست و این تبلیغات گسترده در ذهن مردم باعث فرهنگ‌سازی اشتباه شده و برای منفعت‌طلبی بیشتر بر خی نیازهای زیستی انسان‌ها را به صورت زورقویج و شیک به خورد آنها می‌دهند و این گونه برایشان فرهنگ‌سازی می‌کنند و همین موضوع باعث استقبال بیشتر افراد و منفعت‌طلبی شرکت‌های تولیدکننده شده و آنها را به سود سرشاری می‌رساند. نتیجه منفعت‌طلبی شرکت‌های تولیدکننده باعث فرهنگ‌سازی و تبلیغات عمومی شده و می‌تواند برای رو آوردن مردم به مصرف‌گرایی مزید بر علت شود.

مسئولان هم مصرف‌گرایی را ترویج می‌کنند

زمانی که مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی در میان مدیران و مسئولان اجرایی یک کشور به کرات دیده می‌شود و

سبک نگرش

پنهان صدقی

می‌گویند شخصی که با عصارا راه می‌رفت با دیدن فردی پیاده که در حال دویدن بود، اظهار ناشکری و ناامیدی کرد و رو به آسمان گفت: «خدا! یا من اگر مثل او دو پا داشتم دیگر چیزی از تو نمی‌خواستم». غافل از اینکه شخص پیاده به دوچرخه سواری نگاه می‌کرد و با خود می‌گفت: «خدا! یا من اگر مثل او یک دوچرخه داشتم، دیگر هیچ در خواستی نمی‌کردم». دوچرخه سوار نیز به راننده‌ای که در خودرویی نشسته بود، خیره بود و آرزو می‌کرد که کاش این یازدن‌ها دوچرخه سواری تمام می‌شد و مثل او یک خودرو داشت! در همین حین آن راننده نیز در حال نگاه کردن به ماشینین ملل با آخرین سیستم بود و در حال حسرت! پس این طوری می‌توان نتیجه گرفت که این زنجیره در صورت شروع، هرگز تمامی ندارد و هر چقدر هم که هنر پنهان‌شود، باز کم است.

شش

در گذشته افراد برای رفغ نیازهای جسمی خود همچون نیاز به تأمین خوراک، پوشاک و...از مبادله کالا به کالا استفاده می‌کردند، تا اینکه به مبادله پول در ازای کالا تبدیل شد. در ابتدا این روش بسیار پسندیده و منطقی و با کارایی بالا به نظر آمد اما رفته‌رفته به دلیل ذات

مسئولان افراد مرفه هستند، ماشین‌های گران قیمت سوار می‌شوند، خانه‌های چند میلیاردی، ویلا و اتومبیل شیک دارند و حقوق نجومی با چندین برابر یک کارمند دریافت کرده و سفرهای خارجی می‌روند؛ مردم با دیدن این راه مسئولان با خود می‌گویند در نظام اسلامی مسئولان جامعه این گونه زندگی می‌کنند و دیدن این مسئله در جامعه مردم را به سمت مصرف‌گرایی سوق دهد. اگر الگوهای جامعه، مدیران و مسئولان ساده‌زیست باشند و این موضوع توسط مردم مشاهده شود افتخار به مصرف‌گرایی کاهش پیدا می‌کند.

در کشورمان ایران و در موقعیتی که مشکلات اقتصادی پیداد می‌کند، مسئولان جامعه به افراد می‌گویند ما در کنار شما هستیم و باید هوای یکدیگر را داشته باشیم اما در زمانی که این شعارها داده می‌شود بالاترین حقوق را دریافت کرده و اختلاف زیادی بین در آمد آنها و مردم وجود دارد.

مصرف‌گرایی افتخار شده است

مصرف‌گرایی برای مردم باعث افتخار شده است، این سبک از زندگی موجب فخرقرشی بین افراد جامعه شده و الگوها و افراد مشهور هم به آن دامن می‌زنند.

اگر در نوجوانی و جوانی یک فرد سبک زندگی در خانواده مصرف‌گرایی و افتخار به آن باشد ناگزیر این خصیصه در زندگی او باقی ماند و در دوران میانسالی نیز با املاک، ماشین‌ها و برند لباس به دیگران فخر می‌فروشد و زیاده‌خواهی هر روز بیشتر و بیشتر خواهد شد، زمانی که فرد به پایان زندگی نزدیک می‌شود علاقه دارد اموال خود را هر روز افزایش دهد.

قناعت کنیم و به آن توصیه کنیم

بهترین روش ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر است. اگر عموم مردم که از ایمان قوی یا ایمان متوسط به بالا بر خوردارند و باور خوبی نسبت به مسائل اعتقادی مذهبی دارند سکوت را بشکنند و خودشان که اهل تجملات نیستند

باز نمی‌گردد، آن قدر تجملات زیاد شده که دور هم جمع شدن هم

سخت است». در این زمینه با محمدحسین توانایی استاد حوزه و دانشگاه و مدرس مهارت‌های زندگی به گفت‌وگو نشستیم.ایم. وی می‌گوید: «ماهیت زندگی در دنیا وجود آرزو است که اولین دلیل مصرف‌گرایی بوده و این مشخصه انسان‌ها را به سمت مصرف‌گرایی



به دیگران نیز توصیه کنند که دست از مصرف‌گرایی بردارند

موجب کاهش روحیه مصرف‌گرایی در جامعه می‌شود.

این مسئله از یک زن خانه‌دار که روحیه قناعت داشته باشد آغاز می‌شود، در کنار خانم، مرد خانه نیز همین گونه بوده و هر دو به یکدیگر نکاتی از جمله نخریدن اجناس مارک و عدم اسراف را گوشزد کنند. اگر خانواده‌های متمول جامعه تلاش کنند تا به افراد کمک توان در جامعه که گاهی به وعده غذایی خود نیز محتاج هستند کمک کنند یا برای ازدواج افراد مجرد هزینه کرده یا در مسیر اشتغال‌زایی سرمایه‌گذاری کنند از مصرف‌گرایی جلوگیری می‌شود.

ادارات دولتی مصرف‌زده‌اند

اگر مسئولان ادارات دولتی روحیه قناعت و ساده‌زیستی را در کارهایی که حیطه کاری آنهاست حفظ کنند میلیون‌ها کارمندی که زیر دست آنها کار می‌کنند روحیه ساده‌زیستی و صرفه‌جویی را در خود تقویت می‌کنند. اما در اداراتی که ریخت و پاش زیاد است و مدیریتش میز و صندلی گران قیمت



در اداراتی که ریخت و پاش زیاد است و مدیریتش میز و صندلی گران قیمت و تجملاتی از بودجه دولت تهیه می‌کنند و اتاق‌های شیک و لاکچری داشتند و برای مهمانی‌های خاص خود پذیرایی می‌کنند کارکنان همه اینها را زیر نظر دارند و این روحیه مصرف‌گرایی مسئولان دنیازده به کارکنان منتقل شده و از طریق آنها به خانواده و به نوعی از اجتماع به اجتماع بازمی‌گردد

و تجمل‌گرایی سوق می‌دهد.» به اعتقاد وی هر چند عوامل متعدد داخلی و خارجی در مصرف‌گرایی دخیل هستند ولی ریشه‌ها و نهال مصرف‌گرایی در خاک خودمان و در خاک خودی‌ها و الگوی داخلی و مسئولان رشد می‌کند. در ادامه حاصل نظرات و گفته‌های این کارشناس و پژوهشگر سبک زندگی را بخوانید.

و تجملاتی از بودجه دولت تهیه می‌کنند و اتاق‌های شیک و لاکچری داشته و برای مهمانی‌های خاص خود پذیرایی گسترده و هدایایی رد و بدل می‌کنند کارکنان همه اینها را زیر نظر دارند و این روحیه مصرف‌گرایی مسئولان دنیازده به کارکنان منتقل شده و از طریق آنها به خانواده و به نوعی از اجتماع به اجتماع بازمی‌گردد. اگر الگوهای جامعه و مسئولان دقت بیشتری به زندگی خود داشته باشند مطمئناً روحیه مصرف‌گرایی در بین مردم کاهش پیدا کرده و روحیه قناعت افزایش پیدا می‌کند.

نقش تعیین‌کننده نظام تربیتی

نظام تربیتی برای کاهش مصرف‌گرایی در جامعه بسیار حائز اهمیت است، در تدوین کتب درسی باید از مطالب، محتوا، تصاویر و نقاشی‌هایی استفاده شود که جنبه‌های ساده‌زیستی در آنها لحاظ شده و اهداف کلان و نگرش آنها به سمت مصرف سوق داده نشود و طراحی محتوا در کتاب‌های درسی بیشتر به سمت تولید باشد. رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما، سازمان امور سینمایی و وزارت ارشاد باید توجه داشته باشند که با ساخت یک فیلم نتیجه برابر با ترویج مصرف‌گرایی در جامعه نباشد.

در حال حاضر شاهد زندگی‌های لوکس و لاکچری در فیلم‌های شبکه خانگی و قسبل از آن در سینما و صدا و سیما بوده‌ایم. فیلم‌ها و سریال‌هایی که برای جلب نظر مخاطب نمایشگر ساختمان‌های پرزرق و برق و ماشین‌های گران قیمت که به سمت ویلا و باغ لاکچری شمال کشور در حرکت است فقط به خوشگذرانی می‌پردازد و نشانگر زندگی پرزرق و برق است که باعث رواج روحیه مصرف‌گرایی در جامعه می‌شود. تهیه‌کننده، کارگردان و نویسنده یک اثر تلویزیونی و نهادهای ناظر بر آنها بسیار در زمینه‌های فرهنگی تأثیر گذار هستند و باید نگاه ویژه‌ای به ساده‌زیستی داشته باشند.

رشوگیری و پایمال شدن حق، درگیری، قتل، ابتلا به اعتیاد، فروش فرزندان، فروش جنین، فروش اعضای بدن و... پدیدار شده است.

افراد سست و بی‌ایمان وابستگی شدیدی به مادیات این جهان و زیور آلتاش پیدا می‌کنند و به حدی درگیر این موضوع می‌شوند که فراموش می‌کنند خالق‌شان کیست، برای چه و به این دنیا آمده‌اند، هدف از زندگی در این دنیا چیست و به کجای می‌روند. در نتیجه کوچک‌ترین چالش‌های زندگی برای این دسته از افراد زمینه‌ساز آسیب‌های شدید به روح و روان‌شان می‌شود. آشیای لوکس و پول رفته‌رفته چنان اهمیتی به خود می‌گیرند که هیچ چیز حتی خوادود والدین نیز از لحاظ ارزشی با آنها توان برابری نداشته و برای حفظ آن دست به هر کاری می‌زنند و موجب انواع مشکلاتی می‌شوند که ریشه در نبود بعد معنوی‌شان دارد. حضرت علی(ع) در رابطه با حرص و طمع می‌فرمایند: «هو طلب القلیل باضاعة الکثیر»- «حرص طلب چیزی اندک و بی‌مقدار به وسیله تباه ساختن چیزی بسیار و بازش آشت»-

به هر کاری می‌زنند و موجب انواع مشکلاتی می‌شوند که ریشه در نبود بعد معنوی‌شان دارد. حضرت علی(ع) در رابطه با حرص و طمع می‌فرمایند: «هو طلب چیزی اندک و بی‌مقدار به وسیله تباه ساختن چیزی بسیار و بازش آشت»- جان کلام اینکه فراموش نکنیم هر چقدر هم که پولدار و صاحب طلا و جواهرات و ملک و املاک باشیم، تنها چیزی که با خود به آرامگاه ابدی‌مان می‌بریم، نفع آنست. درون گولهای که برای سفر به عالم آخرت می‌بندیم، تنها اعمال‌مان جامی‌شود و کارنامه‌مان نجات‌مان می‌دهد نه زر و زور و زبور.

سبک مراقبت



آسیب‌هایی که زنان سرپرست خانوار را تهدید می‌کند

زنانی باغم‌نان

ساحل‌گرایی

از دیرباز در فرهنگ ایران مردان به عنوان سرپرست خانوار و نان‌آور خانواده محسوب می‌شدند و وظیفه تأمین معاش و بر آورده کردن نیازهای همسر و فرزندان بر عهده مرد خانواده بود. اما گاهی جبر زمانه طوری رقم می‌خورد که زنان مجبور به سرپرستی و به عهده گرفتن هزینه‌های زندگی می‌شوند و این امر خطیر را خواسته یا ناخواسته می‌پذیرند. طلاق، مرگ، بیماری و از کار افتادگی، اعتیاد، غیبت و گاهی بی‌مسئولیتی مرد خانواده، زن را در چنین موقعیتی قرار می‌دهد. کار از جایی سخت می‌شود که زنی که تا چند وقت پیش فقط در خانه کار می‌کرد و مسئولیت امور داخلی خانه و پرورش فرزندان را به عهده داشت با انبوهی از هزینه‌ها و مشکلات روبه‌رو می‌شود و گاهی مدتی طولانی لازم است تا خود را با این وقایع هماهنگ کند.

با برگزاری کلاس و دوره‌های آموزشی و توان بخشی به خوبی از این سرمایه‌ها استفاده کرد. رایگان کردن کلاس‌های آموزشی برای این افراد و تعامل بهینه سازمان بهزیستی و سازمان فنی حرفه‌ای می‌تواند گام بسیار مفیدی برای این افراد باشد و آنها را از نظر اقتصادی توانمند کرده و به آنها اعتماد به نفس ببخشد.

خانواده‌های دارای سرپرست زن اغلب از فقیرترین افراد به وجود می‌آیند و ترکیب این خانواده‌ها باعث پدیده‌ای به نام «تله فقر» می‌شود. چراکه اغلب فرزندان این خانواده‌ها برای جست‌وجوی کار، مجبور به ترک تحصیل زود هنگام می‌شوند یا کارهای روزمره خانواده را به عهده می‌گیرند تا مادر بتواند بیرون از منزل کار کند. تنهایی و عدم حمایت خانواده‌ها کار مدیریت و کنترل فرزندان را برای این زنان دشوار می‌کند.

در جامعه کنونی حفظ فرزندان از آفت‌هایی مانند اعتیاد و مسائل غیر اخلاقی بسیار اهمیت دارد. فقدان انضباط پدرانه و غفلت مادرانه، به دلیل ساعات طولانی کار و از طرف دیگر مشکلات اقتصادی راه را برای گریز از مدرسه، کارهای غیر قانونی، گرایش به بهرکاری و اعتیاد فرزندان فراهم می‌کند و در نتیجه الگوی خانوادگی محرومیت و فقر نهادینه و همیشگی می‌شود. در نتیجه اگر حداقل درآمد برای این خانواده‌ها فراهم نشود فقر بر فرزندان‌شان هم اثر خواهد گذاشت و همین موضوع هزینه‌های جبران ناپذیری برای جامعه به بار خواهد آورد. توجه به سلامت روان مادر و اعضای خانواده هزینه کمتر خدمات با کیفیت به این افراد ارائه

بدهند احساس می‌شود. متأسفانه به دلیل هزینه زیاد جلسات روانشناسی این افراد قادر به ارائه خدمات ادامه فرآیند درمان نیستند و کار درمان نیمه کاره مانده و در نتیجه تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهد. در حالی که این قشر و فرزندان آنها به شدت نیازمند کمک حرفه‌ای هستند تا بتوانند به سلامت خود را به ثبات اخلاقی و اقتصادی برسانند و خود نقش تولید کننده را ایفا کنند.

متأسفانه عدم حمایت مالی و روانی از زنان سرپرست خانوار گاهی آنها را در برابر خواسته‌های غیر اخلاقی مردان ضعیف و شکننده می‌کند باعث شکسته شدن هنجارهای اخلاقی اجتماع و تشدید آسیب در کانون خانواده‌ها می‌شود. در نتیجه گاهی این زنان که غم نان خود و فرزندان را دارند برای تأمین هزینه‌های سرسام آور زندگی یا همسر دوم می‌شوند یا چاره را در روسپیگری می‌یابند. همین امر نیز فساد اخلاقی و انواع بیماری‌های مقاربتی را به همراه دارد و جامعه برای جبران آسیب‌های آن باید بهای گزافی بپردازد. پس در گام اول باید مسیرهای سالم و اخلاقی را برای این گونه زنان باز گذاشت تا راه بر انتخاب‌های دور از اخلاق و شان آنان بسته شود.

بی‌تردید به دلیل عمیق بودن مشکل و گستردگی آسیب‌های آن تنها یک ارگان یا سازمان نمی‌تواند عهده‌دار تمام جوانب آن شود، بلکه باید همتی دسته جمعی صورت بگیرد تا این زنان جایگاه خود را در اجتماع پیدا کنند. نکته مهم اینجاست که پیش از هر چیز این افراد باید از لحاظ روانی و ذهنی خود را قدرتمند بدانند و احساس تسلط و کنترل بر روی امور پیدا کنند. منفعل بودن و احساس وابستگی باعث می‌شود به جای تلاش بیشتر، چشمان‌شان به دست افراد دیگر باشد یا برای تأمین هزینه‌ها به راه‌های آسان‌تر اما غیر اخلاقی کشیده شوند که نتیجه فردی و جمعی آن هم از قبل معلوم است.



خانواده‌های دارای سرپرست

زن اغلب از فقیرترین افراد به وجود می‌آیند و ترکیب این خانواده‌ها باعث پدیده‌ای به نام «تله فقر» می‌شود. چراکه اغلب فرزندان این خانواده‌ها برای جست‌وجوی کار، مجبور به ترک تحصیل زود هنگام می‌شوند